

طهرانی ها چه شکلی بودند؟

۲۷ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۴۰

تهران در گذشته از روستاهای ری بوده و ری که در تقاطع محورهای قم، خراسان، مازندران، قزوین، گیلان و ساوه واقع شده به سبب مرکزیت مهم سیاسی، بازرگانی، اداری و مذهبی از قدیم مورد نظر بوده و مدعیان همواره این مرکز راهبردی را مورد تهاجم و حمله قرار می‌داده‌اند.

تهران در گذشته از روستاهای ری بوده و ری که در تقاطع محورهای قم، خراسان، مازندران، قزوین، گیلان و ساوه واقع شده به سبب مرکزیت مهم سیاسی، بازرگانی، اداری و مذهبی از قدیم مورد نظر بوده و مدعیان همواره این مرکز راهبردی را مورد تهاجم و حمله قرار می‌داده‌اند. روستای تهران به واسطه برخورداری از مگاک‌ها و حفره‌های زیرزمینی و مواضع طبیعی فراوان و دشواری نفوذ در آن‌ها پناهگاه خوبی برای دولتمردان و دیگر اشخاصی بوده که احتمالاً مورد تعقیب مدعیان قرار داشته‌اند.

از سوی دیگر، کاروان‌های بزرگی که از محورهای مورد بحث عبور می‌کردند شکارهای سودمندی بودند و اغلب مورد حمله و چپاول مردم بومی واقع می‌شدند. روستای تهران در واقع کانون چپاولگران و نهانگاه کالاهای دزدیده‌شده بود و این وضع تا زمان شاه طهماسب صفوی که قزوین را به عنوان پایتخت خود انتخاب نمود ادامه داشت.

پیشرفت تهران

تهران ترقی و حرکت سریع خود به سوی پیشرفت را از سال انتقال پایتخت به قزوین آغاز کرد و شاه طهماسب صفوی به دلیل آنکه سید حمزه، جد اعلای صفویه در شهر ری و در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم مدفون بود گاه به زیارت می‌رفت. او با افزایش رفت‌وآمدهایش دستور داد پیرامون آن باروی محکمی برای وی بسازند. همچنین دستور داد بناهای جدید بسازند که در سال ۹۷۱ هـ- ق با ایجاد ۱۱۴ برج (به تعداد سوره‌های قرآن) در تهران آغاز شد و وی دستور داد در زیر هر برج یکی از سوره‌های قرآن را دفن کنند.

حصاری که دور تهران کشیده شد شش هزار قدم طول داشت و برای ساختمان آن و برج‌هایش از دو نقطه خاکبرداری کردند که بعدها یکی از دو محل به چاله میدان و دیگری به چاله حصار معروف شد.

پس از انقراض صفویه، نادر شاه افشار در سال ۱۱۵۴ هـ- ق تهران را به رسم تیول به پسر خود رضا قلی داد و پس از افشاریه، کریم خان زند به علت درگیری و نزاع با آغا محمد خان قاجار و از آنجا که تهران در نزدیکی طبرستان (یعنی مقر اصلی آغا

محمدخان) قرار داشت صلاح خود را در اقامت در تهران دید.

تهران پایتخت شد

بعد از مرگ کریم خان زند، آغا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۰ هـ- ق در اول فروردین بر تخت سلطنت نشست و تهران را به عنوان پایتخت برگزید و «دارالخلافة» نامید.

انتخاب تهران به عنوان پایتخت از سوی خان قاجار چند علت داشته که مهم ترین آنها نزدیکی به اراضی حاصل خیز ورامین و مجاورت آن با محل استقرار ایلات ساوجبلاغ بوده است، مضافاً ایلات غرب ساکن در ورامین، یعنی هواخواهان وی در حوالی تهران اقامت داشتند و جز این، تهران با استرآباد و مازندران که در حقیقت ستاد اصلی نیروهایش بود فاصله چندانی نداشته است.

بازار

در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار بر اثر موج حرکت ایران به سوی غرب، تهران بیش از پیش آباد گردید. از جمعیت تهران در دوره فتحعلی شاه اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی به طوری که در کتاب جام جم معتمدالدوله فرهاد میرزا آمده است جمعیت تهران در زمان ناصرالدین شاه، صد و پنجاه هزار نفر رسیده بود.

ناصر الدین شاه دو نفر را مامور کرد که محدوده و نقشه‌ای برای پایتخت در نظر بگیرند و با وسعت بیشتری به حفر خندق‌های جدیدی در اطراف تهران بپردازند.

از کجا تا کجا؟!

در حدود سال ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ شمسی، که اولین سرشماری صورت گرفت، تهران جمعیتی معادل ۳۰۰ هزار نفر داشت. در این زمان شناسنامه اجباری شده بود و هیچ کاری بدون داشتن شناسنامه صورت نمی گرفت. روی نقشه، تهران به صورت هشت ضلعی ناقص الاضلاع بود که با خندقی که به دورش حفر شده بود از زمین‌های اطرافش جدا می شود. شهر با سیزده دروازه با خارج ارتباط داشت. عرض خندق دور شهر حدود ده متر و نیم بود که در زمان ناصرالدین شاه ایجاد شده بود. این خندق محل زندگی الواط و اراذل و فقرا و کولی‌ها و ... بود.

حدود شمال شهر تهران موازی خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) نرسیده به پیچ شمیران تا کمی بعد از چهار راه کالج بود. مرز غربی در چهار راه شاه (چهار راه جمهوری)؛ مرز شرقی در مسیر خیابان شهباز (۱۷ شهریور فعلی) تا بعد از میدان ژاله (میدان شهدای فعلی) و مرز جنوبی شهر تهران در امتداد خیابان شوش تا میدان شوش بود.

چه شکلی بودند؟

طهرانی‌های اصیل با پوستی مایل به سفید، اندام متناسب، گونه‌ای گلگون، چهره متبسم و برخورد مهربان شناخته می شدند. روحیات معروف تهرانی‌ها عبارت بودند از درویش صفتی، راحت طلبی، خوش سخنی، خوش قلبی، غریب نوازی، زودجوشی، زودرنجی، تنبلی، دم غنیمت دانی و گریزانی از کارهای پرمشغله!

لباس مردانشان عبارت بود از عبا، قبا و ارخالق که تا بالای زانو می‌رسید و سرآستین‌هایش سوزن‌دوزی شده بود. ارخالق از قبا ضخیم‌تر بود. همین‌طور مرادبیگی، که قبایی با یقه‌ی بسته، لبه‌دار و کوتاه بود و سرداری که جلوی‌ش مانند مرادبیگی بود و چند چین درشت داشت و در پشت آن شکافی بود. قد سرداری تا پایین‌زانو می‌رسید و آن را بر روی قبا می‌پوشیدند. از دیگر لباس‌های مردان عبارت بودند از شلوار ماهوت سیاه ساده، شال یا کمربند، کلاه نمدی یا پوستی، گیوه یا کفش نعلین بی‌بندو...

اما لباس زنان شامل تُنکه‌پاچه‌دار تا بالای زانو که از جنس چلوار یا حریر یا اطلس بود و آن را در زیر می‌پوشیدند. شلوار تنگ از جنس مخمل و ماهوت که اکثراً از رنگ‌های شاد بود. بر روی این شلوار، لباسی شبیه دامن پوشیده می‌شد که به آن شلیته می‌گفتند و در دو نوع کوتاه و بلند بود. روی شلیته پیراهنی کوتاه می‌پوشیدند که روی آن می‌افتاد. اما حجاب زنان عبارت بود از چارقد که پارچه‌ای مثلثی شکل بود. جنس این پارچه از تور و حریر بود که به طور مثلث بریده یا به روی هم تا می‌زدند و به سر می‌کردند و در زیر گلو آن را سنجاق می‌زدند. گوشه‌ای این چارقد را تزئین می‌کردند ولی بعضی هم از آن به عنوان کیسه و دستمال پول استفاده می‌کردند.

منبع: تابناک

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۶۱۰/بـودنـد-شکـلی-طـهـرانـی/>